آرمان ملی
armanmeli.ir
سال هشتم
شماره ۲۲۶۱
چهارشنبه
۰۵ • ۰۹ • ۱۴۰۴
۰۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ / ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵

ذره بین

۴ وزیر در نوبت استیضاح

وفاق دولت و مجلس در ایستگاه پایانی؟

استیضاح وزرای راه و شهرسازی، نیرو، کار و کشاورزی به هیات رئیسه مجلس ارجاع شده و به ترتیب با ارجاع به کمیسیون‌های مربوطه به جریان می‌افتد. اقتصاد ۲۴ نوشت؛ استیضاح یک هفته در کمیسیون با حضور وزیر بررسی می‌شود و در صورا قانع نشدن نمایندگان به صحن مجلس ارجاع خواهد شد تا رای‌گیری نهایی درباره آن انجام شود. این استیضاح‌ها در شرایطی طرح شده که رئیس جمهور و دولت همچنان از کلیدواژه وفاق استفاده می‌کنند. البته طرح استیضاح به معنای همراهی و مخالفت کل مجلس با چهار وزیر دولت چهاردهم نیست. چراکه روند استیضاح در مجلس مطابق آیین‌نامه داخلی که نمایندگان برای خودشان تصویب کرده‌اند بسیار آسان است؛ کافی است ۱۰ نماینده استیضاح وزیری را امضاکنند و در نهایت اکثریت نسبی نمایندگان به آن رای دهند.

استیضاح وزیر راه؟

درباره وزیر راه، اما اوضاع کمی متفاوت است و زینب قیصری عضو مجلس از تهران ادعا کرده که استیضاح او در مجلس ۷۰ امضا دارد. فرزانه صادق مالواجرد، هرچند با ۲۳۱ رای در جلسه رای اعتماد یکی از بیشترین آرا موافق را به خود اختصاص داد، اما پس از آن تحت فشار نمایندگان نزدیک به جریان پایداری قرار گرفت. این نمایندگان در جریان اسکله شهید رجایی بندرعباس نیز تلاش کردند که به بهانه آن حادثه استیضاح صادق را مطرح کنند. حالا دوباره استیضاح او به جریان افتاده و این بار به نظر می‌رسد که صادق برای دفاع از عملکرد خود راهی مجلس خواهد شد.

۳ وزیر در نوبت

استیضاح عباس علی‌آبادی وزیر نیرو نیز از تابستان و همزمان با خاموشی‌های گسترده مطرح بوده. اما به نظر می‌رسد لابی‌ها هر بار آن را از دستور کار خارج کرده است. احمد میدری وزیر کار نیز که از روز رای اعتماد تحت فشار سیاسی جریان مخالف دولت در مجلس قرار داشت، نامش در میان طرح‌های استیضاح مطرح شده. غلامرضا نوری قزلجه که از مجلس دوازدهم به وزارت رسیده نیز آخرین طرح استیضاحی است که فعلا در هیات رئیسه مجلس اعلام وصول شده است. درباره استیضاح وزرا سه نکته را نباید از نظر دور داشت. نخست اینکه اغلب استیضاح‌های مجلس بدون شاخص‌های ملموس و قابل اندازه‌گیری و با دلایل بسیار کلی صورت گرفته است. نکته دیگر اینجاست که نمایندگان به استیضاح به عنوان پروژه‌ای مقطعی نگاه می‌کنند و پس از استیضاح پاسخگوی نتایج اقدام خود نیستند. آنها مدعی هستند که مسئولیت تغییر وزیر و نتایج آن به عهده دولت است و اینگونه از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند.

مجلس، بعد از استیضاح

استیضاح عبدالناصر همتی وزیر پیشین اقتصاد نمونه‌ای از همین رویکرد است. این استیضاح به دلیل افزایش نرخ ارز که شاخصی قابل اندازه‌گیری و البته بی‌ربط به همتی بود، انجام شد. آن وقتی که هنوز شش ماه از استقرار همتی در وزارت اقتصاد نمی‌گذشت. کمتر از شش ماه پس از این استیضاح، نرخ دلار از ۹۲ تا ۱۱۷ هزار تومان جهش کرد. اما استیضاح‌کنندگان از جمله امیرحسین ثابتی و حمید رسایی که عمدتا چهره‌های نزدیک به جریان پایداری بودند، هیچ مسئولیتی در قبال این افزایش قیمت نپذیرفتند. محسن زنگنه از دیگر چهره‌های مخالف دولت و همتی به این پرسش ساده پاسخ نداد که اگر نرخ دلار وابسته به عملکرد همتی بود، چگونه در کمتر از شش ماه به بیش از ۱۰۰ هزار تومان افزایش یافت. اینکه در مجلس استیضاح صرفا با ۱۰ امضا به جریان می‌افتد، تقریبا در دیگر نظام‌های سیاسی جهان بی‌نمونه است. این یعنی هر نماینده‌ای می‌تواند به سادگی استیضاح را تبدیل به ابزار سیاسی فشار به وزرا کند. نمایندگان ادوار مجلس نیز بارها درباره این موضوع صحبت کرده‌اند. محمدرضا باهنر در مصاحبه‌ای در این زمینه اظهارکرد که «نمایندگان یکسری اختیارات دارند برای نظارت، استیضاح، تحقیق و تفحص و سوال‌کردن. ظاهر کار یک چیز می‌نویسند، اما نیت چیز دیگری است. اینها به وزیر فشار می‌آورند که مثلا فلان مدیرکل را عوض کن». آمارها نیز این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. در ۲۳ سال گذشته در ایران ۳۰ استیضاح انجام شده است. اما این همه ماجرا نیست. در همین بازه زمانی بیش از ۱۰۰ طرح استیضاح مطرح شده، اما به صحن مجلس نرسیده و نماینده‌ها به دلایلی استیضاح خود را پس گرفتند.

وفاق با چهار استیضاح؟

مجلس دوباره برای استیضاح چهار وزیر خیز برداشته و اگر این اتفاق رخ دهد، وفاقی که دولت همچنان از آن صحبت می‌کند، به پایان خود نزدیک خواهد شد. هرچند بعید است استیضاح هر چهار وزیر مطرح شده به صحن برسد اما تا همین امروز هم بسیاری از فعالان سیاسی ایده وفاق را ناکام می‌دانند و افقی روشنی برای آن متصور نیستند. وفاقی که گویی حول محور بی‌عملی دولت در حوزه‌های مختلف شکل گرفته است.

«آرمان ملی» حاشیه‌های فضای مجازی را بررسی می‌کند

پشت پرده خط سفید اینترنت

آرمان ملی- حمید شجاعی: مدافعان سرسخت فیلترینگ هستند و حتی آن را به صلاح کشور و مردم می‌دانند و معتقدند رفع فیلترینگ از شبکه‌های اجتماعی امنیت کشور را به مخاطره می‌اندازد. سخن در باب تندروها و دلواپسانی است که همه چیز را برای مردم مضر و زیان‌آور، اما برای خود مفید می‌دانند. مساله اینترنت آزاد و آزادی شبکه‌های اجتماعی امری است که مورد مطالبه جامعه و از وعده‌های رئیس جمهور بوده است. امری که اساسا جزو حقوق حقه مردم محسوب می‌شود و اتفاقا جلوگیری از آن تضییع حقوق شهروندان است. اما شاهدیم که سال‌ها است برخی جریانات و اشخاص به بهانه‌های واهی بر آتش فیلترینگ دمیده‌اند و آنچه خود می‌پسندند را به منافع ملی گره زده‌اند. جالب اینکه هر کسی هم که بخواهد از رفع فیلترینگ سخن بگوید وی را تخریب و متهم به اقدام علیه کشور می‌کنند. اما شاید یکی از مهم‌ترین اقدامات در این خصوص طرح صیانت از فضای مجازی یا به عبارت ساده‌تر فیلترینگ کامل شبکه‌های اجتماعی که در نهایت نیز به جایی نرسید از شاهکارهای تندروهای مجلس یازدهم بود. کافی است نگاهی به برخی مواضع تندروها طی سال‌های گذشته تاکنون در خصوص لزوم فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی در کشور داشته باشیم تا مشخص شود نوع مواجهه این افراد با شبکه‌های اجتماعی و دلایل آن چه بوده است. دیماه سال گذشته بود که مرتضی آقاتهرانی عضو شاخص جبهه پایداری در خصوص فیلترینگ گفت: «ما خواهان مدیریت حکمرانی فضای مجازی هستیم یعنی موردی مهم‌تر از فیلترکردن یا نکردن. وقتی این فضا مدیریت شود دیگر هر زمانی هر جایی که لازم باشد را می‌توان فیلتر کرد». مهدی کوچک‌زاده نماینده تندرو تهران و حامی فیلترینگ گفت: «چرا باید رفع فیلترینگ دغدغه دولت باشد». امیرحسین ثابتی نماینده تندرو تهران و مشاور سعید جلیلی ۲۴ آذر ۱۴۰۲ در شبکه ایکس نوشت: «فیلترینگ به شیوه کنونی مصداق کار نمایشی، کاریکاتوری و با نتیجه معکوس است. اگر قرار است پلتفرمی فیلتر شود، پس چرا مسئولان از توییتر و اینستاگرام استفاده می‌کنند؟ و چرا فیلترشکن به‌راحتی در دسترس عموم است؟ یا فیلتر نکنید یا طوری فیلتر کنید که هیچکس نتواند وارد شود؛ حتی مسئولان». کامران غضنفری نماینده تندرو تهران نیز دیماه سال گذشته در مخالفت با رفع فیلترینگ گفته بود: «رفع فیلترینگ کاملا خلاف منافع ملی است». حمید رسایی نماینده تندرو معروف تهران نیز بارها و بارها بر ضرورت فیلترینگ تاکید داشته است. اما اظهارات تند و آتشین آنها با عملکرد و حضورشان در همان شبکه‌های فیلتر شده چند سالی است که برای مردم پرسش‌هایی را بوجود آورده است. اینکه شما چه مزیت و برتری نسبت به مردم دارید که شبکه‌های اجتماعی برای مردم فیلتر و برای شما باز باشد؟ واقعیت این است که تندروها و دلواپسان مصداق عدم صداقت رفتاری با جامعه و این شعر معروف هستند که چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند. برای تندروها مردم و مطالباتشان ارزشی ندارد و از آنجایی که خود را قیم مردم می‌دانند به جای مردم و برای مردم تصمیم می‌گیرند و به اسم صلاح مردم به خورد جامعه می‌دهند.

رطب خوردن و منع کردن!

حضور مسئولان در شبکه‌های اجتماعی فیلتر شده برای عموم جامعه همواره این پرسش را برای مردم ایجاد کرده که اگر فیلترینگ سیاست حاکمیت است، چرا این سیاست فقط برای مردم اجرا می‌شود؛ اما خود مسئولان حضور فعالی در شبکه‌های فیلتر شده دارند. مخصوصا آنهایی که از سیاست فیلترینگ دفاع می‌کنند؛ اما خود در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند. اما به توفیق اجباری که آپدیت جدید پلتفرم ایکس برای همه پدید آورده کاملا مشخص شده که کدام مسئولان یا چهره‌های سیاسی به لطف خط سفید یا به بیان ساده‌تر اینترنت بدون فیلتر در شبکه‌های اجتماعی به ویژه ایکس فعالند. واژه خط سفید سال‌ها است که میان اهالی رسانه رواج پیدا کرده است و طبیعی است که مسئولان مختلفی نیز از این شرایط استفاده کنند؛ اما نکته مهم کسانی هستند که سال‌ها است بر طبل فیلترینگ کامل شبکه‌های اجتماعی و عدم دسترسی مردم به این شبکه‌ها می‌کوبند؛ اما خود از شرایط ویژه استفاده می‌کنند. جالب اینکه حمید رسایی آبانماه سال گذشته در این خصوص گفته بود: «توییتر منطقه جنگی است عموم نباید در آن حضور داشته باشند، ما باید باشیم تا پاسخ دهیم و دفاع کنیم»، درحالی که چندی پیش انتشار عکسی از تلگرام او در مجلس نشان داد که گویا تلگرام هم برای او منطقه جنگی است و فقط به ایکس یا «توئیتر سابق» بسنده نکرده است. نگاهی به اکانت‌های ایکس دیگر چهره‌های تندرو مثلا امیرحسین ثابتی، سعید جلیلی، مرتضی آقاتهرانی، مهدی کوچک‌زاده که جملگی از مخالفان سرسخت رفع فیلترینگ هستند، با آی‌پی ایران در ایکس فعالیت می‌کنند که نشان‌دهنده کار با خط سفید است این ضرب‌المثل را در یادها تداعی می‌کند که «رطب خورده منع رطب کی کند؟» در همین راستا محمدجواد آذری جهرمی در کانال تلگرامی خود نوشت: «به کسانی که اینترنت سفید دارند و کم تعداد هم نیستند عرض می‌کنم، تک خوری نکنید، هات اسپات کنید که به خیر نزدیکتر است». نکته اینجا است؛ آنهایی که به شدت با رفع فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی مخالفت می‌کنند چگونه است که خود در این شبکه‌ها حضور دارند و این تناقض چگونه قابل حل است؟ اگر موافق فیلترینگ هستید پس خودتان در شبکه‌های فیلتر شده چه می‌کنید و اگر فیلترینگ بد است چرا صدای مخالفت شما با رفع فیلترینگ بلند است؟ اینها پرسش‌هایی است که امروز به ویژه پس از حواشی اخیر در جامعه مطرح است و مردم پاسخی قانع‌کننده طلب می‌کنند.

حق مردم

واقعیت این است؛ امروزه که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به بخشی از زندگی مردم تبدیل شده‌اند نمی‌توان با سیاست‌های محدودکننده مثل رفع فیلترینگ با این شبکه‌ها برخورد کرد. امروز نه تنها جامعه، دولت و حامیان بلکه خود مخالفان نیز به این مهم رسیده‌اند که سیاست فیلترینگ شکست خورده است و کارآیی ندارد و باید شبکه‌های اجتماعی هر چه زودتر رفع فیلتر شوند. چنانکه در جریان صحن علنی مجلس حمید رسایی نماینده تندرو تهران در چرخش مواضع مشهود و آشکار گفت: «سیاست فیلترینگ غلط بوده و هست». حال در چنین شرایطی دولت باید نهایت تلاش خود را برای رفع فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی به کار گیرد تا جامعه نیز با مخالفانی که از خط سفید استفاده می‌کنند و تاکید بر فیلترینگ دارند در شرایط برابر قرار گیرد. این حق مردم است که بتوانند از شبکه‌های اجتماعی بدون مشکل و فیلتر استفاده کنند و اگر رفع فیلترینگ صورت گیرد دیگر واژه‌ای به نام خط سفید یا اینترنت بدون فیلتر معنایی نخواهد داشت و همه در بهره‌مند شدن از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی یکسان خواهند بود.

«آرمان ملی» در گفت‌وگویی اقدامات مجلس را بررسی می‌کند:

بهارستان رخ به رخ مافیای فیلترشکن

قاسم روانبخش: برخی بانک‌ها در فروش فیلترشکن‌ها مشارکت دارند

آرمان ملی- خبرنگار سیاسی: در ادوار اخیر فیلترینگ به یکی از بحث برانگیزترین موضوعات اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است و تحلیل‌گران آن را عاملی بر شکاف دولت و ملت می‌دانند. پدیده‌ای که پیامدهای آن نه تنها در عرصه امنیتی و حکمرانی، بلکه در لایه‌های عمیق روان جمعی نیز قابل مشاهده است. محدودسازی دسترسی به اینترنت، از یک سو حاکمیت را با چالش کاهش اعتماد عمومی و افزایش نارضایتی اجتماعی روبه‌رو می‌سازد و از سوی دیگر، جامعه را در معرض فشارهای روانی ناشی از احساس محدودیت و فقدان شفافیت قرار می‌دهد. شهروندانی که برای انجام کوچک‌ترین فعالیت‌های روزمره از کسب‌وکار و تحصیل گرفته تا ارتباطات ساده ناچار به دورزدن محدودیت‌ها هستند، به‌تدریج فرسودگی اجتماعی را تجربه می‌کنند؛ احساسی که می‌تواند سرمایه اجتماعی هر حکومتی را تضعیف کند. فیلترینگ در کنار تبعات اجتماعی و امنیتی، هزینه‌های سنگینی را نیز بر دوش مردم می‌گذارد. کارکرد بسیاری از کسب‌وکارهای برخط (آنلاین) مختل شده و شرکت‌ها برای ادامه فعالیت مجبور به پرداخت هزینه‌های اضافی جهت استفاده از ابزارهای دورزدن محدودیت‌ها هستند. این هزینه‌ها مستقیما از جیب مردم، کارآفرینان و خانواده‌ها پرداخت می‌شود و در مقیاس کلان، به کاهش بهره‌وری اقتصادی و فرار سرمایه انسانی منجر می‌گردد. در همین فضای محدودشده، مافیای فیلترشکن‌ها شکل گرفته است. سود این بازار غیررسمی، عملا محصول سیاست‌هایی است که ناخواسته تقاضا برای چنین ابزارهایی را افزایش داده‌اند. در این میان، وعده انتخاباتی رئیس جمهور مسعود پزشکیان درباره رفع محدودیت‌های اینترنتی هنوز عملی نشده است، حالا هم طرح جدید مجلس برای تحقیق و تفحص از پشت پرده فیلترشکن‌ها نشان‌دهنده گسترش حساسیت نسبت به پیامدهای این سیاست است. در این مورد با یکی از نماینده‌های مجلس گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

پشت پرده فیلترشکن فروشی

قاسم روان‌بخش، نماینده مردم قم در مجلس و عضو کمیسیون اجتماعی در مورد اقدامات اخیر بهارستان برای مبارزه با فیلترشکن فروش‌ها به خبرنگار «آرمان ملی» می‌گوید: «مدتی است که مطرح بود افرادی در داخل کشور از فروش فیلترشکن، سودهای کلانی را در این چند سال اخیر که تقریبا برآورد آن ۳۰ تا ۴۰ همت برآورد می‌شود، به جیب می‌زنند. خبرهای جسته و گریخته نیز حاکی از این بود که بعضی از بانک‌ها، حتی بانک‌های خصوصی، در این ماجرا مشارکت دارند. از طرفی اینترنت را فیلتر می‌کنند و از طرف دیگر افرادی با فروش فیلترشکن، دسترسی دیگران را فراهم کرده و از این طریق سود می‌کنند. مجلس تحقیق و تفحص را در دستور کار قرار داد تا مشخص شود این کسانی که فیلترشکن می‌فروشند چه نفراتی هستند. چه بسا همان‌هایی که فیلتر می‌کنند، دوباره خودشان فیلتر را می‌شکنند و این موضوع دقیقاً باید روشن شود». او در همین مورد و با تاکید بر نیاز به نظارت بیشتر بر فضای مجازی ادامه می‌دهد: «مجلس معتقد است اینترنتی که در اختیار مردم قرار می‌گیرد، نه به این معنا که هیچ نظارتی بر آن وجود نداشته باشد، بلکه به این معناکه از یکطرف اینترنت فیلتر می‌شود و از طرف دیگر از محل فروش فیلترشکن سودهای کلانی به دست می‌آید. در همه دنیا نوعی نظارت وجود دارد. این تحقیق و تفحص باید روشن کند دقیقا چه کسانی هستند و منابع مالی آن کجا صرف می‌شود و در واقع این موضوع برای مردم شفاف گردد».

جزئیات تحقیق و تفحص

در سال‌های اخیر آنچه فیلترشکن به‌عنوان راهکاری برای عبور از فیلترینگ نام دارد نه‌تنها مورد اعتراض شهروندان است بلکه حالا برای حاکمیت هم تهدید محسوب می‌شود. در همین مورد نماینده‌ها در بهارستان گزارش کمیسیون صنایع و معادن در خصوص تصویب تحقیق و تفحص از عملکرد سامانه‌های مدیریت گذرگاه داده‌های کشور و مقابله با ابزارهای حاکمیت‌گریز (فیلترشکن‌ها) را بررسی کرده و در نهایت با این درخواست تحقیق و تفحص موافقت کردند. در ادامه این طرح به محورهای این تحقیق و تفحص اشاره می‌کند که آنها را بررسی خواهیم کرد. ۱- «نسبت ترافیک مصرفی داخلی به مصرف خارجی به چه میزان است؟» ۲- «باتوجه به مصوبه ۱۳ خرداد ۱۳۹۶ شورای عالی فضای مجازی چه میزان از داده‌های شهروندان ایرانی در اختیار سکوهای خارجی قرار گرفته و می‌گیرد؟» ۳- «داده‌ها و اطلاعات رمز شده توسط ابزارها و سکوهای خارجی که غیر قابل نظارت توسط مراجع ذی صلاح است عمدتا به ترتیب حجم داده توسط کدام سامانه‌ها و نرم‌افزارها تبادل می‌شود؟» ۴- «چه تدابیری از سوی دستگاه‌های حاکمیت دولتی برای حفاظت از داده‌ها و اطلاعات شهروندان ایرانی و جلوگیری از بهره‌برداری و سوءاستفاده دشمنان اجرا می‌شود؟» ۵- «چه اشخاص حقیقی و حقوقی در فروش در فروش ابزارهای مختلف حاکم بعد دورزدن سامانه‌های امنیت داده از قبیل نرم‌افزارهای موسوم به فیلترشکن و VPN ذینفع هستند؟» ۶- «با توجه به اعلام بعضی مقامات ارشد دولتی مبنی بر گردش مالی ۲۰ الی ۵۰ همتی فیلترشکن فروشی سهم درآمد چگونه است؟» ۷- «مبنای قیمت‌گذاری ترافیک و پهنای باند اینترنت برای مردم به‌عنوان مصرف‌کننده نهایی چیست؟» ۸- «دستگاه‌های همکار و ناظر در تبادل داده کشور چه نظارتی در حفظ داده در این فضای فیلترشکن فروشی دارند؟» ۹- «با تخلفات اشخاص و ماموران دولتی ذینفع در مافیای فروش فیلترشکن چه برخوردی صورت گرفته است؟» ۱۰- «برای حفظ سلامت و امنیت روانی کودکان در فضای مجازی و کمک والدین جهت نظارت بر مصرف صحیح داده‌های اینترنتی و کاهش هزینه‌های خانوارها در بهره‌گیری سالم و مفید از اینترنت چه اقدامی انجام داده‌اید؟» ۱۱- «با توجه به اینکه استفاده فراگیر از ابزارهای حاکمیت‌گریز منجر به ایجاد دسترسی سکوهای خارجی به داده‌ها و اطلاعات شهروندان ایرانی و نقض حریم شخصی شهروندان موجب بروز تهدیدات امنیت ملی شده است؛ برای مقابله با فیلترشکن‌های خارجی چه اقداماتی انجام داده‌اید؟»

گزارش

بازگشت به قانون اساسی

از اصلاح و رفراندوم تا اجرای اصول خاموش

در حالی‌که ایران با چالش‌های سنگین و متعددی مانند خشکسالی شدید، ناترازی انرژی، تحریم‌های طولانی‌مدت و بحران‌های زیست‌محیطی دست‌وپنجه نرم می‌کند، اخیرا بحثی درباره «اصلاح قانون اساسی» در میان برخی سیاستمداران در حال شکل‌گیری است. این ایده نه از سر هیجان، بلکه سال‌هاست از سوی برخی سیاسیون تکرار می‌شود.

کفایت قانون

بدون آنکه موضوع اصلاح قانون اساسی یک موضوع جناحی باشد، افرادی هم هستند که معتقدند با همین قانون اساسی هم می‌توان کشور را اداره کرد اما تلقی طرفداران این دیدگاه این است که اجرانشدن و مغفول‌ماندن برخی از اصول قانون اساسی است که به ناکارآمدی‌های سیاسی دامن می‌زند. خبرآنلاین نوشت؛ جدا از اینکه اصلاح قانون اساسی امروزه چقدر ضروری است و می‌تواند گره‌ای از بحران‌ها باز کند این سوال به میان می‌آید که کدام اصول قانون اساسی مصداق مورد غفلت واقع شده، هستند؟ فارغ از آنکه اصلاح قانون اساسی امروزه چقدر ضروری است و اساسا می‌تواند گرهی از بحران‌ها باز کند یا نه، نگاهی به برخی از اصول مغفول قانون اساسی انداخته‌ایم. از نگاه بسیاری از ناظران بخش‌های نادیده‌گرفته شده قانون اساسی به اصول مرتبط با حقوق شهروندان برمی‌گردد. حتی وقتی در دولت حسن روحانی منشور «حقوق شهروندی» تهیه و منتشر شد، منتقدانی داشت که می‌گفتند مفاد این منشور در خود قانون اساسی آمده و اگر قانون اساسی رعایت شود نیاز به چنین منشوری نیست. بسیاری از ناظران، فصل سوم قانون اساسی (اصل ۱۹ تا ۴۲) را که به «حقوق ملت» اختصاص دارد، مهم‌ترین بخش مغفول‌مانده می‌دانند. این فصل حقوق ملت درست پس از اصول مربوط به مبانی اسلام و ولایت فقیه آمده؛ یعنی قانون‌گذار آن را در اولویت بالایی قرار داده است.

مطبوعات و تجمعات

در اصل ۲۴ آمده نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. اما مثل بسیاری دیگر از بندهای قانون اساسی، قوانین موضوعه کشور و ملاحظات سیاسی و امنیتی که نقش تحدیدکننده دارند بر بخش اول سایه بیندازند و عملا قوانینی حمایتی در خصوص گردش آزادانه اطلاعات حضور زنده نداشته باشند. از جمله موارد مرتبط با این اصل که مطرح بوده، برخوردهای سیاسی و جناحی در برخی موضوعات است که بعضا در برخورد با فسادها، سایه سنگین سیاسی‌کاری بر آنها دیده می‌شوند؛ رگه‌هایی از نمونه‌های این معضل در ماجرای حقوق‌های نجومی و املاک نجومی دیده شد. یا حق آزادی رسانه‌ها نیز از همین دست معضلات است؛ برخی رسانه‌ها هرگونه که بخواهند به نقد دولت مدنظرشان می‌پردازند و در زمان دولتی دیگر نقد به محاق می‌رود. اصل ۲۷ قانون اساسی هم تشکیل راهپیمایی‌ها و تجمعات را بدون حمل سلاح به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد می‌داند. اما در اینجا نیز تهیه قوانین موضوعه، آیین‌نامه‌ها و... مثل نیاز به دریافت مجوز یا عذرتراشی‌های برآمده از نگاه امنیتی و سیاسی باعث شده که این اصل قانون اساسی نیز نادیده گرفته شود. حتی در دوره‌ای صحبت از اختصاص دادن مکان‌های ویژه‌ای برای برپایی تجمعات نیز شد تا به نوعی عملی شدن اصل ۲۷ را تسهیل کند اما آن هم فرجامی نداشت. همچنین طرح موضوعاتی مانند قانون تجمعات که روندی برای اجرای این اصل تعیین می‌کند و خود یک قانون جدید محسوب می‌شود را می‌توان، محدودکننده اجرای این اصل از قانون اساسی قرض گرفت.

غیبت رفراندوم؟

برخی اصول دیگر قانون اساسی خارج از فصل سوم قرار می‌گیرند اما نه فقط جزو حقوق ملت به شمار می‌روند بلکه از متن قانون اساسی پیداست که به‌عنوان مبنای نظام سیاسی در نظر گرفته شده‌اند. اصل شش قانون اساسی می‌گوید: در جمهوری اسلامی امور کشور باید با اتکا بر آرای عمومی از راه انتخابات اداره شوند. این اولین اصل قانون اساسی است که همه‌پرسی را مشروع می‌داند. با همه این‌ها اعمال محدودیت‌های بسیار زیاد در بررسی صلاحیت کاندیداها، باعث شده است که مشارکت‌کنندگان فقط بتوانند به افراد منتخب شورای نگهبان رای دهند و روندی را شکل دهند که امروزه بحران‌ها و ناکارآمدی‌های سیاسی در آن برجسته باشند و مجلسی متشکل از نمایندگان چهار پنج درصدی تشکیل شود که خود نشانه‌ای از کاهش سرمایه اجتماعی در کشور است. فارغ از انتخابات، همه‌پرسی نیز درباره موضوعات کشور هیچ‌گاه برگزار نشده است. این روش نه فقط در اصل ششم قانون اساسی بلکه در اصول ۵۹، ۹۹، ۱۱۰، ۱۲۳ و ۱۷۷ نیز به آن اشاره شده است. در اصل ۵۹ قانون اساسی آمده است: در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد و درخواست مراجعه به آراء عمومی باید به تصویب دو سوم مجموع نمایندگان مجلس برسد. اما فقط مجلس نیست که می‌تواند درخواست رفراندوم یا همه‌پرسی کند، این موضوع در اصل ۱۱۰ نیز جزو وظایف و اختیارات رهبری ذکر شده است. همچنین بنا بر اصل ۱۲۳، رئیس جمهور موظف است نتیجه همه‌پرسی را برای اجرا در اختیار مسئولان بگذارد. برای اجرای این اصل مغفول مانده از قانون اساسی، حسن روحانی در زمان دولت خود تلاش‌های زیادی کرد که آن را اجرا کند؛ اما هر بار که حرف از رفراندوم در موضوعات مهم می‌زد، با هجمه رسانه‌های اصولگرا مواجه می‌شد. اصل ۱۱۳ که رئیس جمهور را مسئول اجرای قانون اساسی معرفی می‌کند، یکی دیگر از اصول نیمه‌جان است. حسن روحانی در زمان ریاست جمهوری خود گفته بود، شورای نگهبان در مورد اصل ۱۱۳ قانون اساسی تفسیری کرده که تقریبا این اصل را بی‌اثر کرده است به‌طوری که گویی اصل ۱۱۳ وجود ندارد، تا جایی که رئیس جمهور حتی نمی‌تواند هیات نظارت بر اجرای قانون اساسی تشکیل دهد.